

روانشناس محترم،

برای خواهرم که در کشور متبوعه پیشینم زندگی می کند، سخت نگران هستم. شوهرش به صورت وحشتناکی نسبت به خواهرم دچار تعصب، غیرتمندی و سوء ظن شده و این امر رنج و آزار فراوانی برای ایجاد کرده است. البته می دانم که خواهرم زنی پاک و همسری وفادار می باشد و بدگمانی شوهرش نسبت به او هیچ پایه و اساسی ندارد. برای مثال، اگر آنها دو نفری در خیابان در حال قدم زدن باشند، شوهرش تصور می کند که خواهرم به تمام مردانی که از مقابل آنها عبور می کنند ایماء و اشاره می فرستد. این مرد همیشه پس از وارد شدن به خانه، اول همه جا را بازرسی و تفتیش کرده، سپس از بچه ها و همسایگان نزدیک بازجویی می کند که آیا در مدت زمان غیبتش، آنها مردان دیگری را در اطراف خانه او دیده اند یا خیر. حتی، گاهی اتفاق افتاده که او مبادرت به بو کشیدن فرشهای خانه نموده، تا شاید به این وسیله بتواند اثراتی از بوی مردان غریبه پیدا کند. چندین بار او خواهرم را تهدید کرده که اگر دست از رفتار ناشایستش، که فقط زاید خیال خود او هستند، بر ندارد، هنگامی که به سر کار می رود، در را از بیرون به روی او قفل خواهد نمود. حتی او به بهانه اصلاح خواهرم، او را کتک هم زده است. همچنین او خواهرم را بخاطر همین خیالات بی اساس، با بی رحمی مورد شتمانت قرار داده، و همراه با خشم زیاد و کلمات زشت به سر او داد و فریاد می کشد. از این فضای بد خانواده، خواهرم به کلی خسته و درمانده شده و بچه ها هم بسیار رنج می برند. علاوه بر اینها، این خانواده با مشکلات مالی نیز مواجه می باشند. در این شرایط، آیا خواهرم کاری از دستش ساخته است؟ می توانم به خدا سوگند یاد کنم که با تمام وجود احساس می کنم که او جانش به لبش رسیده و دیگر طاقت ادامه چنین زندگانی را ندارد.

پرسش کننده محترم،

به احتمال قریب به یقین، شوهر خواهر شما دچار نوعی اختلال روانی است که "جنون سوء ظن شدید"، و یا در علم روانشناسی "پارانویا" (paranoia) نامیده می شود. نوشته اید که او شاغل است و به سر کار می رود، پس نتیجه می گیریم که این شخص قادر به انجام امورات زندگانش هست. آیا وی معتاد به مسکرات یا مواد مخدر است؛ یا در سر کار با نوعی مواد شیمیائی در تماس می باشد که روی سیستم عصبی اثرات نامطلوب دارند؟ آیا سوء ظن شدید، تنها خصلت عجیب ذهن او می باشد، یا افکار و اعمال غیر عادی دیگری نیز از او سر می زند؟ آیا دچار افسردگی روحی شدید نیست؟ در بررسی علل بروز افکار غیر عادی در شوهر خواهر شما، جواب سوالات بالا نقشی اساسی داشته و حائز اهمیت فراوانی می باشد. در این وضعیت، لازم است که خواهرتان به یکی از نزدیکان مورد اعتمادش مراجعه کرده و با وی مشورت نماید. اگر شخصی مورد احترام شوهر خواهرتان پیدا شود، که با توصیه این شخص او را به نزد یک پزشک بفرستند، ممکن است به حالش مفید واقع شود. چنانچه خواهر شما در نزدیکی شهر بزرگی سکونت دارد، بهترین کار این است، که مستقیماً از یک روانپزشک وقت گرفته و به همراه تمام خانواده به او رجوع کنند، تا آن روانپزشک بتواند با شنیدن نظرات همه، تصویر جامعی از این مشکل پیدا کند. به نظر نمی رسد که خواهرتان بتواند به تنهایی از این وضعیت خلاصی پیدا کند؛ بنا بر این احتیاج به کمک و همراهی دیگران نیز دارد. همچنین بهتر است که قبلاً پیش بینیهایی لازم بشود، تا اگر باز شوهرش به خشونت متوسل شد، چگونه خود را از آسیب او حفظ کرده و یا به کجا پناه ببرد. یک کار لازم دیگر این است؛ که این موضوع را با آشنایان مورد اعتماد خانواده و یا خویشاوندانی که در نزدیکی سکونت دارند نیز در میان بگذارند، تا آنها به حکم وظیفه خویشاوندی به کمک این خانواده بیایند.

مشکل اساسی اشخاص مبتلا به "جنون سوء ظن" یا "پارنویا" در اینجا است؛ که خود شخص نمی تواند درک کند که افکار و تصوراتش همه غلط و موهوم می باشند. آنها تمام این موهومات را اعمال و رفتاری واقعی تصور می کنند، که اطرافیان از روی بدخواهی و به خاطر اذیت و آزار آنها انجام می دهند. همچنین این افراد، تا زمانی که از اوهام عجیب و غریب خود حرفی به میان نیاورده اند، رفتارشان مانند سایرین معمولی به نظر می رسد. اما، زمانی که از خیالات خود صحبت می کنند، معمولاً انتظار دارند که شنوندگان هم صحت آنها را تأیید نمایند. با این وصف، نباید بیهوده برای اثبات غلط بودن خیالات این اشخاص با آنها به بحث و مجادله پرداخت؛ زیرا به وسیله هیچ دلیل و برهان منطقی و عقلانی نمی توان افکار آنها را تغییر داد. از طرف دیگر، طبیعی است که نمی توان خیالات و اوهام غلط این اشخاص را به هیچ وجه تصدیق نمود. مشکل دیگر در این است که این افراد به ندرت خودشان قبول می کنند که بیمار هستند؛ و به همین جهت رضایت نمی دهند که برای درمان یا مداوای آنها اقدامی شود. حتی متأسفانه، در بعضی موارد، درمان و دارو هم کارگر نخواهد بود. به همین مناسبت، شاید بهتر باشد که خواهر شما، برای نجات خود و فرزندانش از دست این مرد و این وضعیت رنج آور، به فکر تغییری اساسی در زندگانش باشد.